



## باسمه تعالی

این درس نامه ناظر بر بیانیه گام دوم و براساس نیازهای دانش آموز تألیف شده است.

فرازی از بیانیه گام دوم در موضوع انتخاب مسئولان:

انقلاب اسلامی مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

## رأی قضاقتور تکی!

### انتخاب مسئولانه

محمدحسین شیخ شعاوی

#### انتخاب کن

۱

### انتخاب نکردن، بدترین انتخاب ممکن است

سال‌ها پیش دوستی داشتم که به‌از شما نباشد، بسیار آدم خوب و مؤدبی بود؛ اما یک عیب هم داشت که به‌شدت روی اعصاب اطرافیان‌ش بود؛ این دوست مؤدب، انتخاب کردن برایش سخت بود. برای همین همیشه ترجیح می‌داد دیگران برایش انتخاب کنند، حتی در مورد چیزهایی که کاملاً شخصی و سلیقه‌ای بود. یک روز با هم‌کلاسی‌ها مشغول گفتگو درباره رشته ورزشی مورد علاقه‌مان بودیم، می‌خواستیم با یکدیگر مشورت کنیم و یک رشته ورزشی برای ادامه دادن انتخاب کنیم. آن روز هم مثل همیشه این دوست من هیچ انتخاب مشخصی نداشت و منتظر بود ببیند که بیشتر بچه‌ها چه انتخابی خواهند داشت. ناگهان یکی از بچه‌ها با دلخوری به او گفت: تو هم باید انتخاب خودت را داشته باشی! ولی او باز هم جرئت انتخاب نداشت. من با خونسردی رو به بچه‌ها گفتم: اشکالی ندارد، انتخاب نکردن هم خودش یک انتخاب است، البته بدترین انتخاب؛ چون خود آدم کمترین نقش را در نتیجه آن خواهد داشت! این حرف من مثل برق، دوستم را شوکه کرد. البته او آن روز هم نتوانست انتخاب خودش را داشته باشد، اما معلوم بود که به فکر فرو رفته است. شوکی که آن روز به او وارد شد، باعث شد به تدریج در موقعیت‌های انتخاب، رفتار دیگری از خودش بروز بدهد و یاد بگیرد که چگونه از حق انتخاب خود استفاده کند.

۲

### بگذار خودم انتخاب کنم

می‌دانستید تنها فیلمی که اجازه پیدا کرده در پارلمان انگلستان فیلم‌برداری شود، فیلم «حق رأی» است که در سال ۲۰۱۵ ساخته شده و به مبارزه زنان برای گرفتن حق رأی در اوایل قرن بیستم می‌پردازد؟ این فیلم برای پارلمان بسیار مهم بود،

چون نشان می‌داد که حق رأی مردم چیزی است که برای به دست آوردن آن، خیلی‌ها سال‌ها تلاش کردند و سختی کشیدند. حالا اینکه در این کشورها حق دخالت مردم در اداره امور کشور، واقعاً چقدر رعایت می‌شود، به کنار، اما اوضاع امروز به هر حال خیلی بهتر از قبل است و در کشورهای زیادی مردم و حکومت‌ها قبول کرده‌اند که باید به مردم حق داد در انتخاب مسئولان جامعه‌شان، مشارکت داشته باشند.

یکی از لحظات فراموش‌نشده زندگی، وقتی است که به تو اجازه می‌دهند خودت انتخاب کنی! از لباسی که می‌پوشی یا وسایلی که استفاده می‌کنی تا رشته تحصیلی و آینده شغلی‌ات و چیزهای دیگری که بیشتر یا کمتر مهم‌اند، همه‌شان وقتی قرار باشد خودت انتخاب کنی، زندگی طعم دیگری پیدا می‌کند. نه فقط برای افراد، بلکه برای جامعه هم همین‌طور است. در تاریخ کشورها، زمانی که مردم برای انتخاب مسئولان خود، اجازه دخالت پیدا می‌کنند، یک تاریخ مهم است که آن را بزرگ می‌دارند.

۳

### این انتخاب توست، انتخاب خود تو

وقتی قرار است خودت انتخاب کنی، باید برای انتخابت دلایلی داشته باشی. اگر دلایل خودت را نداشته باشی و از روی انتخاب دیگران، چیزی را انتخاب کنی، این اصلاً انتخاب تو نیست.

لازم نیست دلایل تو شبیه دلایل دیگران باشد یا حتماً دیگران آنها را بپذیرند و خوش‌شان بیاید. البته اگر دلایلی وجود دارد که فقط و فقط خود شما را قانع می‌کند، ممکن است یک جای کار اشکال داشته باشد! اما به هر حال، نباید اجازه دهید اعتماد به نفس‌تان در استدلال مستقل برای انتخاب، تضعیف شود.

### انتخاب به شیوه جام حذفی

من شخصاً مسابقاتی را که به شیوه حذفی برگزار می‌شوند، بیشتر دوست دارم؛ چون تکلیف تیم‌ها خیلی زودتر معلوم می‌شود و در پیچ و خم امتیازها نمی‌افتند. مثلاً در مسابقات فوتبال، دو تیم آن‌قدر بازی را ادامه می‌دهند تا یکی از آن دو حذف شود؛ مساوی در کارشان نیست. این روش برای انتخاب‌های ما هم به کار می‌آید، وقتی که بین گزینه‌های بسیار، انتخاب‌های محدود داریم. اول شروع می‌کنیم به حذف کردن و مواردی که از حداقل‌های لازم محرومند، کنار می‌گذاریم تا انتخاب آسان‌تر و باکیفیت‌تر شود.

۴

### خوب، خوب‌تر، بهترین

انتخاب بین خوب و بد، سخت نیست، هنر و مهارت خاصی هم نمی‌خواهد؛ اما وقتی بین کسانی که هر کدام از جهتی خوب‌اند، باید یکی را که خوب‌تر است انتخاب کنی یا وقتی قرار است از بین همه گزینه‌ها فقط یکی از آنها را که بهترین

است، پیدا کنی، باید هنر انتخاب کردن را داشته باشی. گاهی وقتها علاوه بر ویژگی‌های هر کدام از گزینه‌ها، باید همه شرایط بیرونی را نیز در نظر گرفت.

۵

### نماینده، هندوانه در بسته نیست

اگر تا به حال هندوانه خریده باشی، حتماً می‌دانی که اگر هندوانه را به شرط چاقو نخریده باشی، تا وقتی که به آن چاقو نخورده و باز نشده باشد، هر احتمالی در مورد رنگ و مزه آن می‌رود؛ مگر اینکه هندوانه را کسی انتخاب کند که دانش و تجربه کافی را در این مورد داشته باشد و هندوانه خوب را از روی ظاهرش تشخیص دهد. خیلی از انتخاب‌های ما همین جور است؛ باید منتظر ماند و دید نتیجه انتخابی که کرده‌ایم چه خواهد شد. اما انتخابات، انتخابات مجلس و شورا و... جای این جور انتخاب‌ها نیست! نماینده را باید حتماً به شرط چاقو انتخاب کرد.

اگر از روی لجبازی یا احساسات یا هیجان‌های دیگر، کسی را انتخاب کنیم، با فروکش کردن هیجان‌ها و آشکار شدن درون هندوانه، احتمالاً از این انتخاب احساساتی ناامید می‌شویم و اگر متوجه اشتباه اصلی خودم نشویم، شاید حتی از رأی دادن دوباره هم منصرف شویم. اینکه بعضی‌ها با صندوق رأی قهر می‌کنند، برای این است که نمی‌توانند هندوانه را به شرط چاقو و نماینده‌شان را با توجه به عملکردهای گذشته و کارنامه تخصصی و کاری، اقتصادی، اخلاقی و... انتخاب کنند.

۶

### کاربلد، کارکن

از زمان مظفرالدین‌شاه که اولین بارقه‌های دموکراسی در ایران وزیدن گرفت و حتی بعد از انقلاب اسلامی که مشارکت جدی و گسترده مردم در سرنوشت کشور شکل گرفت، تا همین چند سال پیش، سردرآوردن از سابقه و عملکرد نامزدهای انتخابات آن‌قدرها آسان نبود که در این چند سال آسان و در دسترس است. با یک جستجوی ساده می‌توانید از توانایی افراد و اظهارنظرهای سنجیده یا نپخته آنها باخبر شوید. فقط یک نکته باریک‌تر ز مو اینجاست: برای قضاوت کردن، نباید اسیر شایعات و هیاهوی رسانه‌ها شد. هر چیزی که می‌شنویم، اول مطمئن شویم که حقیقت دارد و بعد درباره آن فارغ از جوسازی‌های مثبت یا منفی، قضاوت کنیم.

جوزدگی، انتخاب را خراب می‌کند، هرچه که باشد. اصلاً جوزدگی و عجله، هر تصمیمی را خراب می‌کند. اصلاً همین نکته یکی از ملاک‌های گزینه مناسب برای انتخاب است. به سابقه نامزدهای انتخابات نگاه کنید! کسانی که شتابزده، هیجانی و فقط بر اساس جو سیاسی و اجتماعی اطراف‌شان، حرف می‌زنند و رفتار می‌کنند، هندوانه نارسیده‌اند. فعلاً آنها را بگذارید کنار.

## هرکی هرکی، انتخابات بی‌خاصیت و انتخابات مضر

اصلاً دموکراسی یعنی مردم‌سالاری. مردم‌سالاری یعنی هر کسی را که مردم بخواهند، انتخاب کنند. خب، با این حساب، چه معنی می‌دهد که با هزار جور نظارت و کنترل فقط تعداد محدودی گزینه برای انتخاب شدن تأیید صلاحیت کنند؟ اولین باری را که در مدرسه ما انتخابات شورای دانش‌آموزی برگزار شد، یادم نمی‌رود. همه چیز خیلی خوب و عالی بود؛ یک دموکراسی واقعی و تمام‌عیار. همه دانش‌آموزان بدون استثنا می‌توانستند خودشان را برای نمایندگی نامزد کنند. البته تنها چیزی که این انتخابات را به کام همه تلخ کرد، همین «بدون استثنا» بود. در کنار همه بچه‌های خوب و فعال و بااخلاق، یکی از شرورترین‌های مدرسه هم که هیچ موجودی از دستش در آسایش نبود، کاندیدای شورای دانش‌آموزی شد. تا اینجای قضیه خیلی بد نبود، چون هیچ‌کس از این بشر دل خوشی نداشت؛ اما در مدت یک‌هفته به انتخابات، ورق برگشت. نامبرده حسابی دست به جیب شد و تا می‌توانست با دروغ و دغل، برای محبوبیت خودش و تخریب رقبای اصلی‌اش پول خرج کرد؛ جوری که اغلب دانش‌آموزان احساس می‌کردند اگر او را به شورای دانش‌آموزی بفرستند، اوضاع مدرسه یکسره به کام آنها خواهد گشت! همه اینها گذشته از پول‌هایی بود که برای تقلب در خود انتخابات خرج کرد. البته او انتخاب شد، اما چیزی نگذشت که به خاطر رفتارهایی که از قبل زنده‌تر و ناهنجارتر شده بود، نه از شورا، که از مدرسه اخراج شد. بعد از این قضیه، تقریباً هیچ‌کس شک نداشت که یک انتخابات، حتی در محیط کوچک مدرسه، حتماً به نظارت و تأیید صلاحیت یک‌یک داوطلبان نیاز دارد.

## انتخابات تمام می‌شود، اما مسئولیت انتخاب، نه

وقتی قصد دارید لباسی بخرید، احتمالاً مدت زمانی را کم یا زیاد برای انتخاب لباس مناسب صرف می‌کنید. اما وقتی به گزینه مناسب می‌رسید و آن را می‌خرید، انتخاب شما تمام نمی‌شود، بلکه این تازه شروع انتخاب است! شما از آن به بعد نسبت به انتخابی که انجام داده‌اید، مسئول خواهید بود؛ چون این، انتخاب شما، و نه کس دیگری، بوده است. در همه کشورهای که انتخابات جریان دارد، هر چند سال، مثلاً چهار یا پنج سال، یک‌بار آن را برگزار می‌کنند. خطر بزرگ برای انتخابات این است که مردم مشارکت‌کننده، فقط هنگام انتخابات به رأی و انتخاب خود فکر کنند و بعد از آن مسئولیتی برای خود قائل نباشند. اگر انتخاب‌کننده‌ها بعد از انتخاب، وظایف انتخاب‌شونده‌ها را از آنها مطالبه نکنند، یک پای دموکراسی خواهد لنگید و خب، چنین لنگ لنگان بعید است به منزل برسد!

یک انتخاب

مسئولانه

## تو مجبور نیستی، ولی مسئول چرا!

وقتی به تو حق انتخاب می‌دهند، معنایش این است که خودت می‌توانی بهترین گزینه را انتخاب کنی و مجبور نیستی گزینه خاصی را بپذیری. این، قسمت جذاب و دوست‌داشتنی ماجراست! اما قسمت دیگر آن که ممکن است کمی سخت و سنگین باشد، این است که این انتخاب، مسئولیتی است که بر عهده تو گذاشته‌اند؛ هم اصل انتخاب را، و هم یک انتخاب خوب را. بعضی‌ها به آسانی از زیر بار این مسئولیت، شانه خالی می‌کنند، اما تو...

## من هم یک مسئولم!

الآن سال‌هاست که در خیلی از مدارس، مشارکت دانش‌آموزان به درس خواندن و امتحان دادن، محدود نمی‌شود؛ اما این می‌تواند از آنچه هست نیز گسترده‌تر شود. خصوصاً در مورد دانش‌آموزانی که در نظام سیاسی کشورشان حق رأی دارند، چرا نباید در اداره مدرسه‌شان نقش جدی داشته باشند؟ این را اول خودتان باور کنید و بعد هم، از مسئولان بخواهید. به خودتان و دیگران بقبولانید که نمی‌توانید به آنچه در محیط اطراف شما اتفاق می‌افتد، بی‌توجه باشید.

از طرف دیگر، بهترین راه برای اینکه مشارکت دانش‌آموزان در انتخابات و مسائل سیاسی و اجتماعی کشور کیفیت بهتری پیدا کند، تمرین آن در محیط‌های کوچک‌تری مثل مدرسه، کانون‌های فرهنگی و بسیج است. اما این چیزی نیست که به راحتی در دسترس باشد. شاید قرار باشد برای به دست آوردن آن، دیگران را با خود همراه سازید تا زمینه‌های لازم را همه با هم فراهم آورید. در هر صورت این کلیدواژه مهم را فراموش نکنید: ما نسبت به محیط اطراف خود مسئولیم!

## آینده در دستان من است

وقتی جنگ تحمیلی هشت‌ساله آغاز شد، جدا از برخی نیروهای زبده انقلابی در ارتش، تعداد زیادی از درجه‌داران باتجربه و سرشناس نظامی از ایران رفته بودند یا از نیروهای نظامی جدا شده بودند. شاید همین موضوع دشمن را به طمع حمله انداخته بود و گمان می‌کرد جنگیدن با چنین کشوری و با این نیروی نظامی تضعیف‌شده، کار سختی نباشد. اما چیزی که این نقص را جبران کرد، بلکه باعث شد در مقابله با دشمن، دست برتر را داشته باشیم، وجود جوان‌های کم‌سن و سالی بود که از لاک دنیای کودکانه، بیرون آمده بودند و خود را نسبت به کشورشان و نسبت به همه دنیا مسئول می‌دانستند؛ آنها می‌خواستند شر را از همه دنیا پاک کنند.

یک نوجوان و جوان، بمب انرژی و مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌های نامحدود است، به شرط آنکه او خودش را به آرزوهای کوچک محدود نکند. وقتی خودت را نسبت به کشورت، نسبت به همه دنیا و همه انسان‌ها، نسبت به تاریخ و آینده آن، مسئول بدانی و بخواهی به قدر خودت در آینده جهان نقش ایفا کنی، دیگر به تلاش کم و دستاوردهای اندک و موفقیت‌های کوچک، راضی نخواهی شد. انتخابات فقط یکی از جاهایی است که باید این مسئولیت خودت را به انجام برسانی!

۴

### مسئولیت انتخاب مسئول و هندوانه‌ای که کال از کار درآمد

خب، به هر تقدیر، روزگار چرخ خورد و چرخ خورد و جوری شد که حالا مسئولیت دارید در یک فرایند دموکراتیک، تعدادی از مسئولان کشور را انتخاب کنید. خیلی هم خوب و عالی! به هر حال، انتخاب یک مسئول از انتخاب یک هندوانه درسته بدون شرط چاقو که سخت‌تر نیست. شک ندارم که شما هم تجربه رویارو شدن با یک هندوانه سفید بی‌مزه را دارید و می‌دانید برای کسی که برای این هندوانه پول داده است، این لحظات، تا چه اندازه می‌تواند سخت و جان‌فرسا باشد! اما دقیق‌تر که نگاه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که باز صد رحمت به هندوانه، حتی همان هندوانه کال بی‌مصرف. هندوانه‌ای که کال از کار درآمده، تنها ضررش این است که خورده نمی‌شود؛ بلکه ممکن است حتی به درد گاو و گوسفندها بخورد. اما مسئولی که به خاطر رأی اشتباه ما به جایگاهی که نباید، دست یافته است، نه تنها هیچ گاو و گوسفندی حاضر نیست آن را به مصرف برساند، بلکه دیگر به این راحتی‌ها نمی‌توان از شرش خلاصی یافت. مسئولیت انتخاب یک مسئول را جدی بگیرید! من یکی که ترجیح می‌دهم همه پولم را بابت هندوانه‌های کال و بی‌مصرف هدر بدهم، اما هرگز مرتکب اشتباه در انتخاب یک مسئول نشوم.

۵

### مشارکت یک مشارکت‌نکننده در آینده کشوری که حتی در آن زندگی نمی‌کند

چند سال پیش، در جریان انتخابات مجلس یکی از کشورهای همسایه، تعدادی صندوق رأی هم در شهرهای مختلف ایران برای مشارکت اتباع این کشورها در انتخابات کشورشان در نظر گرفته شده بود. فکرش را بکنید! بعضی از کسانی که پای صندوق‌های رأی رفته بودند، سال‌ها بود که کشور خود را ندیده بودند و شاید تا سال‌های سال هم قصد بازگشتن نداشتند؛ اما با وسواس و جدیت، داوطلبان نمایندگی را بررسی کرده بودند و با شور و هیجان، کیلومترها دور از وطن‌شان، در سرنوشت کشورشان مشارکت کردند. حالا تصور کنید اگر از آنها پرسید که چرا در انتخابات شرکت می‌کنید، احتمالاً چه پاسخی به شما می‌دهند؟ یک سؤال مهم‌تر: کسانی که در کشور خودشان زندگی می‌کنند، دقیقاً به چه دلیل محکمی از مشارکت در آینده وطن‌شان سر باز می‌زنند؟

یک انتخاب  
آگاهانه

## رای قضاقتوری و مشارکت‌های باری به هرجهت!

یکی از آشنایان ما، نمایشگاه خودرو دارد، یعنی به ملت، خودرو می‌فروشد. چیزی که می‌خواهم از این آشنای گرامی برای شما نقل کنم، تعجب او از بعضی مشتریان بود. می‌گفت: بعضی‌ها وقتی برای خرید خودرو وارد مغازه من می‌شوند، نه تنها از قبل هیچ پرس‌وجویی برای شناسایی خودروی مناسب خود نکرده‌اند، حتی از من هم، به عنوان یک کارشناس، نمی‌پرسند که چه خودرویی به دردشان می‌خورد. با اولین گشت و گذار، همان که مد شده، یا بر اساس چشم‌وهم‌چشمی یا حتی لج و لج‌بازی با دیگران، اولین موردی را که چشمشان را بگیرد، خریدارند. این جور مشتری‌ها معمولاً پس از مدت کوتاهی پشیمان می‌شوند و برای تعویض کالایی که خریده‌اند، برمی‌گردند! عجیب‌تر اینکه در انتخاب دوباره‌شان هم به اندازه دفعه اول، اصرار دارند که خالی از هر گونه آگاهی واقعی، انتخاب کنند!

راستش را بخواهید، با شنیدن این توصیفات، سؤالی که بلافاصله به ذهنم خطور کرد، این بود: آیا کاری که آنها می‌کنند، واقعاً یک انتخاب است؟ حالا فکر کنید، پای انتخاب‌های مهم‌تر و خیلی مهم‌تر در میان باشد. باورتان می‌شود بعضی‌ها حتی در انتخابات، همین قدر خوش‌مزه رأی می‌دهند؟

## آینده یک تاریخ و انتخاب‌هایی که هر کدامشان تأثیرگذارند

دوباره برویم سراغ هندوانه‌ها. خرید یک هندوانه خوب، علاوه بر اینکه از هدر رفتن هزینه آن جلوگیری می‌کند، آبروی خریدار را هم حفظ می‌کند. حالا فرض کنید که قرار باشد این هندوانه در یک مجلس مهمانی میل شود، مسئله خیلی جدی‌تر می‌شود. اما اگر این مهمانی، مهمانی خاصی باشد، مثلاً مجلس خواستگاری یا دورهمی سالانه شب یلدا باشد! همهٔ انتخاب‌های ما همین‌گونه‌اند؛ بسته به شرایط مختلف، اهمیت آن کمتر یا بیشتر می‌شود.

البته انتخاب مسئولان کشور، کسانی که قرار است برای چگونگی اداره کشور، تصمیم بگیرند، اهمیت زیادی دارد؛ اما شرایط گاهی کمی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. آیا در شرایط حساس و تکرارنشده‌ای که هر تصمیمی ممکن است جامعه را به هم بریزد و حتی تأثیراتی فراتر از مرزها داشته باشد، وقتی که دشمن بیرونی به این امیدوار است که مزدوران او یا نیروهای ساده‌لوح و سازشکار در داخل، در رأس امور قرار بگیرند، اهمیت انتخابات مثل شرایط عادی است؟ وقتی که تاریخ جهان، با تصمیم‌هایی که ما خصوصاً درباره مسائل منطقه‌ای می‌گیریم، گره خورده است، می‌توان به سادگی و با سادگی، نماینده خود را انتخاب کرد؟



## ... و شما به کدام آینده رأی می‌دهید؟

همهٔ اتفاق‌های تاریخی، تاریخ‌ساز نیستند! از اولین حضور جناب آدم ابوالبشر (که درود خدا بر او باد) و دعوی هابیل و قابیل گرفته، تا آخرین خبری که دربارهٔ اتفاقات چهارگوشه دنیا شنیده‌اید، بعضی اتفاقات، بیشتر از بقیه مهم‌اند؛ ولی بعضی از اتفاق‌های مهم، به اندازه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند که مسیر تاریخ را تعیین کرده‌اند. خودتان می‌توانید مصداق‌های زیادی پیدا کنید. به‌عنوان مثال فقط تصور کنید که اگر در جریان جنگ صفین، لشکر امام علی (سلام خداوند بر ایشان) آن چند قدم باقی‌مانده تا نابودی معاویه را هم برمی‌داشت، امروز ما ممکن بود چقدر متفاوت باشد! یا در جریان عهدشکنی مردم کوفه، وقتی که در میدان شهر، یکی یکی انتخاب‌شان را تغییر می‌دادند و تنها گذاشتن مسلم را بر همراهی او ترجیح می‌دادند. یا در پیشرفت‌های علمی، فکری و صنعتی، به این بیندیشید که برخی تحول‌ها چگونه تاریخ را دگرگون کردند. اما نکته مهم این است که این اتفاقات تاریخ‌ساز، چه اتفاقات مثبت و چه منفی، هیچ‌گاه ناگهانی و بدون زمینه رخ نداده است.

انتخابات، زمینه ریل‌گذاری برای آینده یک کشور است؛ آینده‌ای که می‌تواند نیک‌بختی و سعادت ما را با عزت و شرافت همراه سازد و آینده‌ای که خدای ناکرده ممکن است رنج تسلیم شدن به زورگویان را با وابستگی‌ها و گرفتاری‌های بیشتر به ارمغان بیاورد. برای انتخاب آینده بهتر کافی است گذشته را خوب مرور کنیم: کسانی که از مبارزه و سختی می‌ترسیدند و از آن فرار می‌کردند، به آرامشی که دشمنان‌شان وعده می‌دادند، رسیدند؟ و به سختی و ذلتی بیش از آنچه می‌ترسیدند، دچار نشدند؟

۵

## و اینکه ...

حکایت انتخاب هندوانه و بقیه انتخاب‌هایی که درباره‌اش حرف زدیم، حکایت همیشه من و تو است. انتخابات پیش‌رو و همهٔ انتخاب‌های فراوانی که در زندگی‌مان خواهیم داشت، همه‌شان از یک نظر، شبیه هم‌اند: همهٔ آنها مهارت ما را در انتخاب، می‌طلبند. شاید این چند ویژگی بتواند جنس این مهارت را برای ما روشن‌تر سازد؛ انتخاب ماهرانه و درست انتخابی چنین انتخابی است:

نه از روی هیجان و احساسات

نه فقط برای رفع مسئولیت

نه به دلیل منافع شخصی

دور از تعصبات بی‌اهمیت

با نیت مشارکت در ساختن آینده کشورم

با آگاهی و توجه نسبت به شرایط امروز جهان

و با شناخت کافی از نامزدهایی که به آنها رأی می‌دهم...

